

راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر کنوانسیون استانبول

نویسنده: یونس امامی زاده *

Younes.emami1403@gmail.com

* کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده

ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان و دختران در حوزه عمومی و خصوصی، از جمله قاجاق انسان، استثمار جنسی و سایر اشکال؛ از بین بردن تمام اعمال مضر، به‌ویژه ازدواج‌های اجباری و ختنه زنان. این مقاله، به بررسی تعاریف و صلاحیت‌های مرسوم و اعتقادی موجود از واژه‌های «خشونت علیه زنان» و «خشونت خانگی» در حقوق بین‌الملل، بررسی جنبه‌های حقوقی بین‌المللی پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، تحلیل جامع چارچوب مفهومی مرتبط با این جرائم و ارائه رویکردهای اساسی برای مفهوم خشونت خانگی می‌پردازد. این مقاله درک جدیدی از اصل دقت نظر (یک اصل/استاندارد معروف در حقوق بین‌الملل) با توجه به خشونت علیه زنان و مسائل مربوط به خشونت خانگی به دست می‌آورد و مؤلفه‌های کلیدی آن را روشن می‌کند و هم‌زمان تعهدات اصلی دولت‌ها را در این حوزه تدوین می‌کند. در پایان، استنباط می‌شود که مسائل رفع تبعیض علیه زنان و ریشه‌کنی خشونت علیه زنان تنها می‌تواند به‌صورت جمعی موردبررسی قرار گیرد و اعتبار نظریه رویکرد مبتنی بر جنسیت به این موضوع را تأیید می‌کند که توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به آن پایبند است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، شرایط فرهنگی، سطح تحصیلات و ساختار اقتصادی، پایه‌های اصلی خشونت علیه زنان را شکل می‌دهند؛ بنابراین، پیشگیری و رفع این معضل نیازمند تلاش و برنامه‌ریزی ویژه‌ای از سوی دولت‌ها، به‌عنوان مسئول تأمین سلامت روانی و امنیت همه‌جانبه افراد جامعه است. افزایش آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی از جمله عوامل کلیدی محسوب می‌شود که برای رفع این مشکل از بُعد اجتماعی ضروری است. هم‌زمان، تغییرات فرهنگی و تصویب قوانین بازدارنده و حمایتی، به‌صورت نظام‌مند می‌تواند مبنای تحول در این زمینه باشد. علاوه بر این، اجرای قوانین در سطح ملی و پایبندی به اسناد بین‌المللی که کشورها در آن عضویت دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی همکاری دولت‌ها و سرزمین‌های بین‌المللی و نهادهای حائز اهمیت غیرقابل‌انکار است.

کلمات کلیدی:

حقوق زنان، خشونت خانگی، پیشگیری از خشونت، کنوانسیون استانبول، برابری جنسیتی، تبعیض، رفع تبعیض

۱. مقدمه:

آنچه مسلم است پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان به عنوان یکی از راه کارهای اصلی حفظ و صیانت از آزادی های فردی و اجتماعی یکی از عمده دغدغه های فعالین حوزه علوم انسانی بلاخص حقوق بشر در چند دهه گذشته بوده است، کما اینکه دولت ها و سازمان های بین المللی از یک سو و نهادهای مردم نهاد از سوی دیگر، هر یک به سهم خود، وقت و هزینه بسیاری در راه آموزش چگونگی مقابله با خشونت علیه زنان در جوامع مختلف متحمل شده اند. راه کارهایی از جمله برگزاری نشستهای علمی و آموزشی در سطوح مختلف، حضور مداوم آسیب شناسان در محیط هایی که آمار خشونت علیه زنان بیشتر بوده است. یا برگزاری دوره های آموزشی به نوجوانان و جوانان در مدارس و دانشگاه ها به منظور به حداقل رسانیدن آسیب های ناشی از انواع خشونت هایی که علیه زنان اعمال می شود. لکن نمی توان از نظر دور داشت که با وجود تلاش بخشی از نهادهای دولتی و برخی سازمان های بین المللی در راستای مبارزه با حداقل پیشگیری از خشونت علیه زنان در جوامع مختلف منجمله جامعه هدف پایان نامه اخیر خشونت همچنان ادامه دارد و آمارهای ناامیدکننده ای از سیر صعودی اعمال رفتارهای غیرانسانی بر علیه جامعه زنان در هر سن و موقعیتی اعمال می شود از ختنه دختران خردسال تا تجاوزهای جنسی به دختران نوجوان و به بیگاری کشیده شدن زنان میانسال جملگی بخش تاریکی از دور نمای خشن جامعه مردسالار دنیای امروز در نگاه کلی و عرف و عادات مردسالارانه در فرهنگ عامه برخی کشورها هست.

علیرغم صراحت ماده یک منشور جهانی حقوق بشر که اشعار می دارد: «تمام انسان ها آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق باهم برابرند عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند.» در بیشتر کشورهای به ظاهر متمدن جهان مقابله با خشونت علیه زنان عمده تاً جنبه تشریفاتی داشته و اجرای قوانین موضوعه مرتبط با مقابله سیستماتیک با خشونت علیه زنان با موانع عرفی مواجه است.

سیستم حمایت از زنان در برابر خشونت و خشونت خانگی مبتنی بر اصل جهانی حمایت از حقوق و آزادی های بشر است که برای اولین بار در منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید. به منظور مشخص کردن مفاد منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۶ به تصویب رسید که منجر به ایجاد تعهداتی برای دفاع از گروه های آسیب پذیر از جمله زنان شد. سیستم مشترک حمایت از حقوق بشر هم در سطح جهانی و هم در سطح منطقه ای در حال توسعه است که در چارچوب آن اقدامات ویژه ای برای ارتقای اثربخشی حمایت از زنان از جمله در برابر خشونت و خشونت خانگی تا شناسایی و حذف علل ریشه ای این پدیده ها انجام شده است.

تحلیل رویه بین المللی نشان داده است که چارچوب حمایت از زنان، از جمله در برابر خشونت، عموماً توسط دولت ها از طریق انعقاد معاهدات بین المللی چندجانبه و پیش از تصویب اسناد اعلامی در این زمینه توسعه می یابد. نقش اصلی در این زمینه به سازمان ملل متحد و شورای اروپا تعلق دارد که با ابتکارات آنها اسناد اصلی در حوزه حمایت از زنان تدوین شد. باین حال تا به امروز، سند بین المللی الزام آور قانونی باهدف مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی در قالب کنوانسیون استانبول تنها در شورای اروپا تصویب شده است [1، 2، 3].

اهمیت و ضرورت تحقیق اخیر بررسی اصلاح و تکمیل قوانین موجود در نظام حقوقی و کیفری کشورها به منظور امکان مطابقت آن با مقررات جامعه جهانی در راستای دستیابی به حقوق مدرن همسو با قوانین جوامعی است که تلاش در بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی اتباع خود داشته و سعی در مطابق نمودن قوانین موضوعه هر کشور با اصول بنیادین حقوق حاکم بر کشورهای پیشرو دارند. [4] سازمان های مردم نهاد حمایت کننده از حقوق زنان و خانواده و ارگان های اجرایی در مددکاری های اجتماعی زیرمجموعه در کمیسیون امور زنان و حمایت از خانواده مجلس یا سازمان های مرتبط با سازمان بهزیستی و ارگان های حمایت عمومی از زنان را می توان از منابع بااهمیت و ضروری به منظور استفاده و تطبیق مقررات در تحقیق اخیر دانست. به طور کلی با توجه به وضعیت کشورهای جهان با مسئله خشونت علیه زنان موضوع مهم و ضروری است.

هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از بررسی راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان از منظر حقوق بین‌الملل هست. در این تحقیق، از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است، این نوشتار در صدد پاسخگویی به این سؤال اساسی زیر هست.

۱- تعهدات دولت‌ها طبق مقررات حقوق بین‌الملل به‌طور اعم و تعهد دولت‌ها به شکل اخص در حمایت از حقوق زنان و پیشگیری و مقابله با خشونت علیه آنان چیست؟

۲- تعهدات دولت ترکیه برای حمایت از جامعه زنان مطابق مقررات حقوق بین‌الملل و پیشگیری از خشونت علیه آنان چیست؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سابقه و پیشینه تحقیق حاضر به دودسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول با تأکید بر پیشگیری از خشونت علیه زنان.
 - ۲- تعهدات دولت‌ها در پیشگیری و برخورد با خشونت علیه زنان در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر، کتب عدیده‌ای در زمینه خشونت علیه زنان و راه‌های مقابله و پیشگیری از آن به زبان‌های مختلف نگارش و منتشر شده‌اند، لکن منابع مکتوب اندکی در رابطه با خشونت علیه زنان در کشور ترکیه به زبان فارسی وجود دارد. دو کتاب زیر نیز از جمله تألیفات در زمینه خشونت علیه زنان می‌باشند.
- ابوالحسنی و طه، (۱۳۹۶) در کتابی تحت عنوان «خشونت خانگی بررسی حقوقی جرم‌شناسی اسناد سازمان ملل» پرداختند. این کتاب به تحلیل و بررسی پدیده خشونت در جامعه ایران پرداخته و چکیده آن نشان می‌دهد که نویسندگان با مطالعه فرهنگ، جنسیت، ارزش‌های اجتماعی و قوانین موجود، دلایل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با این پدیده ارائه شده است. علاوه بر این، کتاب به رابطه خشونت علیه زنان با خانواده، جامعه و حقوق زنان نیز توجه داشته است. تفاوت این کتاب با تحقیق حاضر، در بررسی گسترده‌تر اسناد بین‌المللی و همچنین پرداختن به قوانین داخلی کشور ترکیه به‌عنوان یکی از وجوه متمایز آن‌ها می‌باشد. [5]

■ حکمت نیا، (۱۳۹۹) در کتابی تحت عنوان «حقوق زن و خانواده» به بررسی حقوق زنان و خانواده در جامعه ایران می‌پردازد. و با تحلیل موجود، به مسائل مهمی همچون ازدواج، طلاق، نفقه و حضانت پرداخته و این مباحث را در چارچوب مقایسه‌ای با اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مورد بررسی قرار داده است. یکی از موضوعات مهم این کتاب بررسی خشونت علیه زنان به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که همواره در سطح جهانی و توسط مدافعان حقوق زنان مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش به تحلیل رویکردهای قانونی ایران در مقابله با خشونت علیه زنان پرداخته است. سؤالی که پژوهش حاضر بر آن تمرکز دارد، این است که سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص منع خشونت علیه زنان چگونه تعریف شده است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران در این زمینه، تحت تأثیر معاهدات، کنفرانس‌ها، قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی گوناگون، در برهه‌های مختلف تاریخی تغییراتی را تجربه کرده است. [6]

■ محمودی، و مجیدی، (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «کنترل پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران» پرداختند. این مقاله به تحلیل قوانین موضوعه ایران در زمینه کنترل، پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان می‌پردازد. در این راستا، مجموعه‌ای از مقررات در کشور به‌منظور کاهش و مهار خشونت علیه زنان تدوین شده‌اند که شامل موضوعاتی نظیر خشونت خانگی، جرائم علیه زنان، آزارهای جنسی و تجاوز است. باین‌حال، اجرای این قوانین در عمل با چالش‌هایی روبه‌رو است و برخی از آن‌ها به دلایل مرتبط با فرهنگ، ساختار اجتماعی و ویژگی‌های نظام قضایی کشور به‌طور

کامل اجرا نمی‌شوند. از این رو، ضروری است که با ترویج فرهنگ احترام به حقوق زنان و تقویت کارآمدتر نظام قضایی، زمینه اجرای مؤثر قوانین فراهم‌شده و به کاهش خشونت علیه زنان کمک شود. [7]

■ درستی، (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «خشونت خانگی از مفهوم تا دلایل» پرداخته است. مقاله اخیر به این نکته اشاره می‌کند که زنان بر اساس شرایط زمانی و مکانی به اشکال مختلف مورد خشونت قرار گرفته‌اند و گاهی اوقات حتی به قتل رسیده‌اند. هیچ دلیل منطقی برای توجیه چنین اعمالی که نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شوند، وجود ندارد. اگرچه این گونه رفتارها ریشه تاریخی دارند، اما تنها در سال‌های اخیر توجه بیشتری به موضوع خشونت علیه زنان شده است. خشونت خانگی علیه زنان علاوه بر جنبه‌های حقوقی و اخلاقی، پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی زیادی به همراه دارد که سلامت زنان، خانواده‌ها و جامعه را تهدید می‌کند. با توجه به این مسائل، بررسی عوامل تأثیرگذار در این زمینه از اهداف اصلی این پژوهش است. [8]

■ میرجعفری، و همکاران، (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان» پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که خشونت خانگی علیه زنان یکی از چالش‌های اساسی و تهدیدکننده ساختار خانواده است. به همین دلیل، نهادهای حقوق بشری تلاش دارند تا با برنامه‌های مدون به مقابله با این معضل بپردازند. با وجود تفاوت‌های مبنایی و نگرشی میان نظام حقوقی اسلامی-ایرانی و اسناد بین‌المللی، هر دو بر تقویت جایگاه زنان در خانواده و جامعه، احقاق حقوق قانونی آنان در عرصه‌های مختلف و توجه ویژه به نقش سازنده‌شان تمرکز دارند. در این مقاله، قوانین داخلی مرتبط با مقابله با خشونت علیه زنان، از جمله لایحه تأمین امنیت زنان و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران بررسی شده و با قوانین موجود در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و سایر میثاق‌های جهانی مقایسه می‌شود. [9]

■ مشهدی علی کرمی موسی، (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول در خصوص پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان» پرداخته است. در این مقاله، به بررسی محتوای کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی مصوب ۲۰۱۱ شورای اروپا (کنوانسیون استانبول) پرداخته شده است. این کنوانسیون به عنوان جدیدترین معاهده در زمینه برخورد با خشونت علیه زنان، چارچوب حقوقی جامعی را تدوین کرده است که بر رویکردی میان‌رشته‌ای در پیشگیری و مقابله با این معضل تأکید دارد. کنوانسیون استانبول تعریفی گسترده و تفسیری جامع از تبعیض علیه زنان و نمودهای آن ارائه داده و همچنین بر جرم‌انگاری تمامی اشکال خشونت علیه زنان تأکید دارد. افزون بر این، تعهدات دولت‌ها را در حوزه‌هایی همچون پناهندگی، مهاجرت و مداخلات مسلحانه گسترش داده است تا از زنان در برابر تمامی اشکال خشونت به طرز مؤثرتری حمایت شود. [10]

■ پروین، و شعبانی، (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «خشونت خانگی علیه زنان دارای معلولیت و دسترسی به عدالت در نظام بین‌المللی حقوق بشر» پرداخته است. زنان دارای معلولیت به دلیل ترکیب دو ویژگی زن بودن و داشتن معلولیت، با تبعیض مضاعف مواجه هستند و در برابر انواع خشونت و بی‌عدالتی، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به دیگران دارند. محدود شدن حضور آن‌ها به محیط‌های زندگی مانند خانه یا مراکز نگهداری از یک‌سو و نبود مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای شناسایی و مقابله با موقعیت‌های خطرناک از سوی دیگر، آنان را در معرض خشونت‌های خانگی پیوسته و متنوعی قرار می‌دهد. دسترسی به عدالت یکی از راهکارهای قانونی برای مقابله با خشونت است، اما این زنان به دلایل وجود موانع گوناگون غالباً از دریافت جبران‌های مناسب محروم می‌شوند. تلاش‌های بین‌المللی برای ارائه روش‌های مقابله با خشونت خانگی و تضمین دسترسی به عدالت برای زنان دارای معلولیت شامل مهارت‌آموزی، ملزم کردن دولت‌ها به ایجاد دسترسی، اصلاح قوانین و افزایش آگاهی

عمومی است که موضوع بحث این نوشتار است. این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی می‌کوشد به بررسی اقدامات و راهکارهای نظام بین‌المللی حقوق بشر در پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان دارای معلولیت و تسهیل دسترسی آنان به عدالت در صورت وقوع خشونت بپردازد. [11]

در مقالات فوق‌الذکر به قوانین و اسناد بین‌المللی پرداخته شده است و پدیده خشونت علیه زنان از این منظر شده است ولی در تحقیق حاضر هم به قوانین و اسناد بین‌المللی و هم به حقوق داخلی کشور ترکیه و تأثیر قوانین بین‌المللی بر این قوانین بررسی شده است.

۱.۲ تعاریف مفاهیم و اصطلاحات

تعریف خشونت علیه زنان: اعمال مختلفی مانند آزار و اذیت جسمی و جنسی، تجاوز، آزار و فشار روانی، ضرب و شتم اجبار به فحشاء، ختنه زنان، پورنوگرافی، اجباری بارداری و یا سقط جنین اجباری و قتل در این تعریف جای گرفته است. [12] به نظر می‌رسد که هیچ تعریف مورد توافق اکثریت و واحدی از خشونت در سطح جهانی ارائه نشده است، لکن اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای از مبانی حقوق بشری در این زمینه وجود دارد که برخی از آنها الزام‌آور و برخی دیگر غیر الزام‌آور می‌باشند و برای روشن‌تر شدن موضوع، بررسی آنها ضروری خواهد بود.

یکی از اسناد الزام‌آور اسناد مرتبط با «کنوانسیون پیشگیری از خشونت علیه زنان و خشونت خانگی و مبارزه با این خشونت در شورای اروپا» می‌باشد. این کنوانسیون در تاریخ ۱۱ می ۲۰۱۱ در شهر استانبول امضا شد و به همین سبب به «کنوانسیون استانبول» معروف است. [13] دولت وقت کشور ترکیه اولین امضاءکننده این کنوانسیون بود. این کنوانسیون در اول آگوست ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد. بند (الف) ماده ۳ کنوانسیون خشونت علیه زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: «عمل یا فعلی علیه زنان چه در عرصه زندگی خصوصی و چه اجتماعی که منجر به آسیب فیزیکی، روانی و یا جنسی گردد و یا اقدام به تهدید، ارباب، سلب، آزادی خشونت است. علاوه بر این خشونت و تبعیض علیه زنان نقض حقوق بشر و مخالف با اصل اول منشور حقوق بشر می‌باشد. خشونت مبتنی بر جنسیت نیز در بند (د) ماده ۳ کنوانسیون، تعریف شده است؛ خشونتی که علیه زنان بر پایه‌ی جنسیت زن بودن، اعمال می‌شود». [14] این نوع خشونت اغلب در داخل خانواده‌ها رخ می‌دهد و پدیده‌ی خشونت خانگی نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سیستم حمایت از زنان در برابر خشونت و خشونت خانگی مبتنی بر اصل جهانی حمایت از حقوق و آزادی‌های بشر است که برای اولین بار در منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید. [15] به منظور مشخص کردن مفاد منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۶ به تصویب رسید که منجر به ایجاد تعهداتی برای دفاع از گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان شد.

سیستم مشترک حمایت از حقوق بشر هم در سطح جهانی و هم در سطح منطقه‌ای در حال توسعه است که در چارچوب آن اقدامات ویژه‌ای برای ارتقای اثربخشی حمایت از زنان از جمله در برابر خشونت و خشونت خانگی تا شناسایی و حذف علل ریشه‌ای این پدیده‌ها انجام شده است. [16] مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ قطعنامه‌هایی با عنوان «خشونت خانگی» به تصویب رساند.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، اصطلاح «خشونت علیه زنان» در سازمان ملل توسط سایر نهادهای اصلی سازمان - کمیسیون حقوق بشر (که در سال ۲۰۰۶ با شورای حقوق بشر جایگزین شد) - یک نهاد فرعی از شورای عالی سازمان ملل متحد، نهادهای تخصصی و نهادهای معاهده حقوق بشر استفاده شده است.

در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ کمیته رفع تبعیض علیه زنان توصیه‌های کلی شماره ۱۲ و ۱۹ [17] را در مورد خشونت علیه زنان به تصویب رساند. [18] در ۴ مارس ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، موضع گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن را مطابق با قطعنامه ۴۵/۱۹۹۴ تعیین کرد.

در برخی موارد، اصطلاح «خشونت علیه زنان» بیشتر به عنوان مربوط به اشکال خاصی از خشونت مانند تجاوز جنسی تعریف می‌شود. چنین رویکردی توسط شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه «تجاوز و سوءاستفاده از زنان در مناطق درگیری مسلحانه در یوگسلاوی سابق» در سال ۱۹۹۵ اجرا شد.

شورای حقوق بشر سازمان ملل (که از این پس به عنوان UN HRC شناخته می‌شود) قطعنامه‌های متعددی را در مورد تشدید تلاش‌ها برای جلوگیری و از بین بردن همه اشکال خشونت علیه زنان و دختران از سال ۲۰۰۹ به تصویب رسانده است. [19] که به موضوعات زیر می‌پردازد: [20]

- تضمین دقت لازم در پیشگیری از خشونت (۲۰۱۰)؛
 - حصول اطمینان از دقت لازم در حفاظت از خشونت (۲۰۱۱)؛
 - راه حل برای زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند (۲۰۱۲)؛
 - پیشگیری و پاسخ به تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی (۲۰۱۳)؛
 - خشونت علیه زنان به عنوان مانعی برای توانمندسازی سیاسی و اقتصادی زنان (۲۰۱۴)؛
 - پیشگیری و پاسخ به خشونت علیه زنان و دختران، از جمله زنان و دختران بومی (۲۰۱۶)؛
 - مشارکت دادن مردان و پسران در پیشگیری و واکنش به خشونت علیه همه زنان و دختران (۲۰۱۷)
- در برخی از اسناد حقوق بشر سازمان ملل، دختران در کنار زنان به عنوان یک اصطلاح کلی یا در چارچوب یک گروه اجتماعی آسیب پذیر ذکر شده‌اند.

شورای عالی سازمان ملل متحد بعداً هنگام تصویب قطعنامه‌های مربوطه از جمله قطعنامه‌های تشدید تلاش‌ها برای از بین بردن همه اشکال خشونت علیه زنان، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳، دوباره به اصطلاح «خشونت علیه زنان» اشاره کرد. در تقویت پیشگیری از جرم و پاسخ عدالت کیفری به خشونت علیه زنان (۲۰۱۰)؛ در تشدید تلاش‌ها برای پیشگیری و از بین بردن همه اشکال خشونت علیه زنان و دختران: آزار جنسی (۲۰۱۹). [21]

ECOSOC نهادی است که مستقیماً با این موضوعات در سازمان ملل متحد در چارچوب حمایت از حقوق بشر با پرداختن به موضوع «خشونت علیه زنان» و اتخاذ قطعنامه‌های مربوطه، از جمله قطعنامه ۲۰۱۰ در مورد تقویت پیشگیری از جرم و پاسخ عدالت کیفری به خشونت علیه زنان، سروکار دارد. [22]

اصطلاح «خشونت علیه زنان» نیز به طور گسترده در گزارش‌ها و مطالعات بین‌المللی متعددی مانند «برآوردهای جهانی و منطقه‌ای خشونت علیه زنان: شیوع و اثرات بهداشتی خشونت از شریک جنسی صمیمی و خشونت جنسی غیر شریک» [23] که توسط سازمان بهداشت جهانی (از این پس WHO نامیده می‌شود) در سال ۲۰۱۳ تهیه شده است.

برخی دیگر از عبارات پرکاربرد عبارتند از به اصطلاح «جنایت ناموسی»، «ختنه زنان» و «اقدامات مضر علیه زنان». گروهی از کارشناسان مستقل سازمان ملل گزارشی را با عنوان «عملکردهای خوب در قانون گذاری در مورد اقدامات مضر علیه زنان» تهیه کرده‌اند. [24]

اصطلاحاتی که شامل کودکان به عنوان پسر و دختر زیر ۱۸ سال می‌شود مانند «خشونت علیه زنان و دختران»، «آزار جنسی کودکان» و «استثمار جنسی از کودکان» در رویه حقوق بین‌الملل غیر معمول نیست. قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد «تسریع تلاش‌ها برای از بین بردن خشونت علیه زنان و دختران: پیشگیری و پاسخ به خشونت علیه زنان و دختران در زمینه‌های دیجیتال» به عنوان نمونه‌ای از این امر است. [25]

اصطلاح آزار و اذیت در استخدام نیز در حقوق بین الملل معروف است. سازمان بین المللی کار (ازاین پس ILO نامیده می شود) کنوانسیون خشونت و آزار و اذیت را در سال ۲۰۱۹ و همچنین توصیه شماره ۲۰۶ ILO را تصویب کرد. [26]

نهادهای قانونی شورای اروپا مدتی است که از اصطلاحات مربوط به خشونت خانگی استفاده می کنند. کمیته وزرای شورای اروپا (که ازاین پس CM CoE نامیده می شود) به ترتیب در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ توصیه هایی «در مورد خشونت در خانواده» و «در مورد اقدامات اجتماعی در مورد خشونت در خانواده» صادر کرد [27]. مجمع پارلمانی شورای اروپا (ازاین پس PACE نامیده می شود) قطعنامه های «خشونت خانگی علیه زنان»، «کودکانی که شاهد خشونت خانگی هستند»، [28] «احکام حمایتی برای قربانیان خشونت خانگی» را تصویب کرد. کنگره مقامات محلی و منطقه ای شورای اروپا (ازاین پس به عنوان CLRAE نامیده می شود) قطعنامه «مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان» را تصویب کرده است. رویکرد استفاده از اصطلاح «تجاوز جنسی» را می توان در قطعنامه "PACE تجاوز به زنان، از جمله تجاوز زناشویی" مشاهده کرد. [29]

اصطلاح «خشونت علیه زنان» در توصیه های بعدی CM CoE (درباره حمایت از زنان در برابر خشونت) منعکس شده است. قطعنامه های "PACE مبارزه با خشونت علیه زنان: در راستای کنوانسیون شورای اروپا"، «خشونت علیه زنان در اروپا»، «ترویج بهترین شیوه ها در مقابله با خشونت علیه زنان»، «مجموعه سیستماتیک داده ها در مورد خشونت علیه زنان». اصطلاحات مربوط به اصطلاح "جرائم ناموسی" به طور گسترده در شورای اروپا استفاده می شود. به ویژه، کمیته فرصت های برابر برای زنان و مردان PACE گزارش «به اصطلاح «جنایت ناموسی» را منتشر کرد. PACE قطعنامه "ختنه زنان در اروپا" را تصویب کرد [30]. CM CoE اعلامیه "در مورد نیاز به تشدید تلاش ها برای جلوگیری و مبارزه با ختنه زنان و ازدواج اجباری در اروپا" را تصویب کرد. [31]

اصطلاح «استثمار جنسی» در قطعنامه سال ۲۰۱۵ CLRAE مبارزه با قاچاق انسان و استثمار جنسی آنها «نقش شهرها و مناطق» منعکس شده است. [32] در سال ۲۰۱۷، شورای اروپا کنوانسیون حمایت از کودکان در برابر استثمار جنسی و آزار جنسی، همچنین به عنوان "کنوانسیون لانزاروت" شناخته می شود.

باید تأکید کرد که اصطلاح «خشونت علیه زنان» باید از خشونت مبتنی بر جنسیت (یعنی خشونت بر اساس جنسیت) موضوعات مرتبط با آن، که PACE قطعنامه های «اقدام برای مبارزه با نقض حقوق بشر مبتنی بر جنسیت، از جمله ربودن زنان و دختران» را به آن اختصاص داده است، متمایز شود. «زنان در نیروهای مسلح: ترویج برابری، پایان دادن به خشونت مبتنی بر جنسیت»، «حمایت از زنان و دختران پناهنده در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت». [33]

اصطلاحات «حمله علیه زنان» و «آزار و اذیت» در قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد. «حملات اخیر علیه زنان: نیاز به گزارش صادقانه و پاسخی جامع»، «ترویج پارلمانی عاری از تبعیض جنسی و آزار جنسی» [34] در عمل OSCE، نهادهای اصلی آن نیز از اصطلاحات مربوط به خشونت علیه زنان استفاده می کنند. در واقع، کمیته وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا تصمیمات ۰۵/۱۵ (۲۰۰۵)، ۱۴/۷ (۲۰۱۵) و ۱۸/۴ (۲۰۱۸) در مورد «پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان» را صادر کرد و مجمع پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا قطعنامه «در مورد خشونت علیه زنان» (۲۰۰۹) را تصویب کرد. [35]

در سال ۲۰۱۷، کمیته وزرای سازمان امنیت و همکاری اروپا تصمیمی را در مورد «تقویت تلاش ها برای مبارزه با همه اشکال قاچاق کودکان، از جمله برای استثمار جنسی، و همچنین سایر اشکال استثمار جنسی از کودکان» صادر کرد. [36]

اصطلاح «خشونت مبتنی بر جنسیت» در توصیه عمومی شماره ۱۹ CEDAW به عنوان «شکلی از تبعیض که توانایی زنان برای برخورداری از حقوق و آزادی ها بر اساس برابری با مردان را به طور جدی مهار می کند» [37] تعریف شده است. در آن توصیه عمومی، CEDAW توضیح می دهد که مفهوم «تبعیض علیه زنان» که در ماده ۱ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان تعریف شده است، همچنین شامل اصطلاح «خشونت مبتنی بر جنسیت» می شود: «خشونتی که علیه زن به دلیل زن

بودن یا تأثیر نامتناسب بر زنان اعمال می‌شود CEDAW. «بعداً «خشونت مبتنی بر جنسیت» را برای اشاره به علل و پیامدهای جنسیتی چنین خشونتی، به عنوان «خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان» در توصیه عمومی شماره ۳۵ که قرار بود به روزرسانی توصیه عمومی شماره ۱۹ باشد، اثبات کرد. نقش‌های کلیشه‌ای تداوم می‌یابد، و «خشونت مانعی اساسی برای دستیابی به برابری اساسی بین زنان و مردان و برخورداری زنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی‌شان است، همانطور که در کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان تصریح شده است» [38]

اصطلاح «بزه دیده» در ماده ۱ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جنایت و سوءاستفاده از قدرت تعریف شده است. با این تعریف، «قربانیان» به معنای «افرادی است که به‌طور فردی یا جمعی، از طریق اعمال یا ترک‌فشارهایی که ناقض قوانین کیفری در کشورهای عضو، از جمله قوانینی که سوءاستفاده مجرمانه از قدرت را ممنوع می‌کنند، متحمل آسیب شده‌اند، از جمله صدمات جسمی یا روانی، رنج عاطفی، ضرر اقتصادی یا آسیب‌های اساسی به حقوق اساسی‌شان». در همین حال، ماده ۲ می‌گوید: «شخصی را می‌توان قربانی دانست، صرف‌نظر از اینکه مرتکب شناسایی، دستگیر، تعقیب یا محکوم شده باشد و صرف‌نظر از روابط خانوادگی مرتکب و قربانی». اصطلاح «قربانی» همچنین در صورت لزوم شامل «خانواده نزدیک یا وابستگان قربانی مستقیم و افرادی است که در مداخله برای کمک به قربانیان در مضیقه یا جلوگیری از قربانی شدن آسیب دیده‌اند». نام قربانی «برای همه، بدون هیچ‌گونه تمایزی، مانند نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، عقاید یا اعمال فرهنگی، دارایی، وضعیت تولد یا خانواده، منشاء قومی یا اجتماعی و معلولیت، برای همه قابل اعمال است».

اصطلاح «خشونت علیه زنان» در مواد ۱ و ۲ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳ تعریف شده است. این عبارت به معنای «هر عمل خشونت‌آمیز جنسیتی است که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی به زنان شود، از جمله تهدید به چنین اعمالی، اجبار یا خودسرانه، اعم از اینکه در زندگی خصوصی اتفاق بیفتد، اجبار یا خودسرانه، از زندگی خصوصی محروم شود». این اصطلاح شامل موارد زیر می‌شود (اما محدود به این نیست):

- خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده رخ می‌دهد، از جمله کتک زدن، سوءاستفاده جنسی از کودکان دختر در خانه،
- خشونت‌های مربوط به جهیزیه، تجاوز به زناشویی، ناقص سازی اندام تناسلی زنان و سایر اعمال سنتی مضر برای زنان،
- خشونت غیرهمسری و خشونت‌های روانی از جمله استثمار عمومی.
- تجاوز جنسی، آزار و اذیت جنسی و ارباب در محل کار، در مؤسسات آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن‌فروشی اجباری
- خشونت فیزیکی، جنسی و روانی که توسط دولت انجام شده یا در هر جا رخ دهد.

بر اساس ماده ۳ کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی ۲۰۱۱، «خشونت علیه زنان» به عنوان «نقض حقوق بشر و نوعی تبعیض علیه زنان» تعریف می‌شود و به معنای «کلیه اعمال خشونت‌آمیز جنسیتی است که منجر به یا احتمالاً منجر به خشونت فیزیکی، جنسی، روانی یا اقتصادی، از جمله تهدید خودسرانه، روانی یا اقتصادی، آسیب دیدگی یا رنج بردن از سوی زنان می‌شود. آزادی، چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی». خشونت علیه زنان به منزله نقض حقوق بشر و تبعیض مبتنی بر جنسیت است، باین حال تدوین‌کنندگان کنوانسیون با ایجاد مقرراتی برای ارتباط واژه «آسیب‌های اقتصادی» با آسیب‌های روانی، مرزهای این پدیده را فراتر گذاشته و بدین‌وسیله رویکرد جدیدی را در تفسیر حقوق بشر بیان می‌کنند؛ بنابراین، می‌بینیم که تعریف «خشونت علیه زنان» که در کنوانسیون استانبول ارائه شده، گسترده‌تر از تعریفی است که در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ارائه شده است. آسیب و رنج اقتصادی را نیز پوشش می‌دهد. در عین حال، عملاً هیچ‌یک از قوانین کشورهای اروپایی چنین تعاریفی را در برنمی‌گیرد، به همین دلیل است که آنها شروع به شکل‌گیری در عملکرد اجرای قانون می‌کنند.

کنوانسیون استانبول، در کنار تعریف «خشونت علیه زنان»، شامل تعریف «خشونت خانگی» است که به عنوان «کلیه اعمال خشونت فیزیکی، جنسی، روانی یا اقتصادی که در خانواده یا واحد خانوادگی یا بین همسران یا شرکای سابق یا فعلی رخ

می‌دهد، اعم از اینکه مرتکب در یک محل زندگی مشترک یا مشترک با قربانی زندگی می‌کند یا خیر» تعریف می‌شود. تعریف جامع خشونت خانگی برای اولین بار توسط کنوانسیون استانبول ارائه شده است.

۲.۲. سه رویکرد اصلی برای درک خشونت خانگی در دکتین حقوق بین‌الملل

در حال حاضر، سه رویکرد اصلی برای درک خشونت خانگی در دکتین حقوق بین‌الملل توسعه یافته است. باوجود رواج رویکرد جنسیتی، درک خشونت خانگی به عنوان یک تعارض خانوادگی و مدل ترکیبی که توسط نظریه مایکل جانسون ارائه شده است همچنان مرتبط است.

درک خشونت خانگی به عنوان یک تعارض خانوادگی بر تجلی اعمال پرخاشگرانه منفرد و معادل بین شرکا تمرکز دارد که در آن مردان و زنان به طور مساوی در معرض خشونت هستند که ماهیت ساختاری دارد و علت خاصی دارد. Spangaro [15] طرفداران این رویکرد استدلال می‌کنند که افراد، با هدایت الگوهای رفتاری که در دوران کودکی شاهد آن بوده‌اند یا خودشان قربانی خشونت فیزیکی شده‌اند، از آن برای حل تعارضات درون خانواده یا بین شرکای صمیمی استفاده می‌کنند. این مبتنی بر عدم تعادل بین شرکا است که منجر به افزایش تنش در خانواده و در نتیجه افزایش خطر وقوع خشونت می‌شود. [39] این فرض توسط مطالعات متعددی تأیید می‌شود که در آن عمل خشونت علیه شریک صمیمی به طور مستقیم باوجود موقعیت‌های استرس‌زا دائمی در خانواده مرتبط است. [40]

محققان تعارضات خانوادگی، معتقدند که خشونت رخ می‌دهد متقارن است، یعنی زن و مرد قربانیان یکسان این خشونت‌ها هستند، [41] به عنوان رد این رویکرد، می‌توان به تحقیقات دانشمندانی اشاره کرد که اشکال و میزان خشونت اعمال شده توسط مردان علیه زنان و بالعکس را متمایز می‌کنند. [42]

به گفته آنها، خشونت زنان علیه مردان به عنوان پاسخی به اعمال آنها به شکلی کمتر خشونت‌آمیز ظاهر می‌شود و ترس و کنترلی بر مردان ایجاد نمی‌کند و در نتیجه هیچ محدودیتی در زندگی مردان ایجاد نمی‌کند [43]. رویکرد مبتنی بر جنسیت (مدل خشونت خانگی زنانه) اساساً با رویکرد تلقی خشونت خانگی به عنوان یک تعارض خانوادگی متفاوت است. طرفداران آن معتقدند که مردان بسیار بیشتر از زنان در روابط صمیمانه و زندگی روزمره مرتکب اعمال خشونت‌آمیز می‌شوند. [43]

نظریه مایکل جانسون به دنبال پرداختن به تفاوت‌های موجود در دکتین و عمل است و اعتبار هر دو رویکرد را تأیید می‌کند. [44] نظریه تمایز جانسون به سرعت در میان محققان و متخصصان فمینیست و زن‌ستیز محبوبیت پیدا کرد. [45] هدف این نظریه، تمایز گروه‌های مختلف مردم است که از میان آنها، مسائل خشونت علیه زنان و خشونت خانگی بررسی می‌شود. گونه شناسی جانسون چهار شکل از خشونت را تعریف می‌کند: خشونت موقعیتی زوجین که به طور مساوی توسط مردان و زنان انجام می‌شود. تروریسم صمیمی، رایج برای مردان؛ مقاومت خشونت‌آمیز، رایج برای زنان؛ کنترل خشونت متقابل. [46]

درعین حال، باید توجه داشت که علیرغم بحث‌های موجود، نهادهای بین‌المللی حقوق بشر این موضع را اتخاذ می‌کنند که خشونت علیه زنان، فرابخشی بوده و مانع اصلی توانمندسازی آنان است؛ بنابراین، مسائل رفع تبعیض علیه زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان به صورت تجمعی مورد توجه آنان قرار می‌گیرد و بدین ترتیب نظریه رویکرد جنسیتی به این مشکل تأیید می‌شود. [47]

در دکتین حقوق بین‌الملل، اصطلاح «خشونت شریک صمیمی» که برگرفته از واژه «خشونت خانگی» است، بسته به تقسیم‌بندی مفهومی خاص از اصطلاح «خشونت خانگی» به روش‌های مختلفی توسط تحقیقات تعریف می‌شود. در نتیجه، طرفداران رویکرد تعارض خانوادگی خشونت شریک صمیمی را به عنوان «راهِبردهای غیرقانونی استفاده شده توسط افراد برای حل تعارضات

بین فردی به طور کلی و بین شرکای صمیمی به طور خاص» توصیف می کنند و خود خشونت توسط آنها به عنوان «عملی که با عمد یا قصد احتمالی برای استفاده از آسیب، درد فیزیکی یا جراحت به شخص دیگر انجام می شود» تعریف می شود. [48]

تعریف خشونت شریک صمیمی ارائه شده توسط طرفداران رویکرد تعارض خانواده، به دلیل رویکرد متقارن به ادراک جنسیتی توسط اولی و به دلیل دامنه محدود در رابطه با اشکال خشونت، مورد انتقاد محققان مدل خشونت خانگی فمینیستی قرار گرفته است. [49] آن ها تعریف جدیدی از خشونت شریک صمیمی علیه زنان ارائه کرده اند: «سوءاستفاده از قدرت توسط همسر، شریک صمیمی (چه مرد باشد یا زن) یا یک همسر یا شریک سابق که منجر به تحقیر، از دست دادن کنترل و امنیت و شروع احساس ناتوانی توسط زنی می شود که قربانی مستقیم سوءاستفاده مداوم یا مکرر جنسی، روانی یا اقتصادی، جنسی، روانی و اقتصادی می شود. مجبور کردن زنان برای مشاهده خشونت علیه فرزندان، سایر بستگان، دوستان و حیوانات خانگی خود. [50]

با جمع بندی مطالب فوق، می توان نتیجه گرفت که همه اشکال خشونت که قبلاً ذکر شد، بسته به زمان ارتکاب آنها ممکن است به نام های «خشونت علیه زنان» و «خشونت خانگی» نسبت داده شوند.

۳.۲. هم افزایی اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی

از سال ۱۹۸۰ تا به امروز، سازمان ملل متحد و شورای اروپا تلاش هایی را برای از بین بردن پدیده های خشونت علیه زنان انجام داده اند که به طور جدایی ناپذیری با دستیابی به برابری جنسیتی و ریشه کنی تبعیض علیه زنان مرتبط است.

GA سازمان ملل متحد نقش مهمی در دستیابی به این اهداف در هنگام تصویب قانون حمایت از حقوق زنان ایفا کرد که تمام اشکال تبعیض علیه زنان را غیرقانونی توصیف می کرد - کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان که در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. [51] یک نهاد ویژه به نام کمیته رفع تبعیض علیه زنان برای نظارت بر رعایت تعهدات متعهد شده توسط کشورهای عضو کنوانسیون ایجاد شد. کمیته همچنین دارای حق ارائه توصیه در مورد هر موضوعی است که به نظر می رسد نیاز به توجه بیشتری دارد. در خلال پنجاه و چهارمین جلسه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه A/RES/54/4 را در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ تصویب کرد. [52] که بر اساس آن پروتکل اختیاری CEDAW برای امضا و تصویب توسط کشورهای عضو باز شد؛ بنابراین، کمیته مأموریت یافت تا شکایات قربانیان خشونت را که یک فرد، گروهی از افراد یا سازمانی هستند که از نقض حقوق مندرج در CEDAW رنج می برند، بررسی کند.

در سال های ۱۹۸۹، ۱۹۹۲ و ۲۰۱۷ کمیته توصیه های عمومی شماره ۱۲، ۱۹ و ۳۵ را در مورد خشونت جنسیتی علیه زنان به تصویب رساند. علیرغم این واقعیت که کمیته در ابتدا موضوع خشونت علیه زنان را در توصیه عمومی شماره ۱۲ خود مورد بررسی قرار داد، توصیه عمومی شماره ۱۹ بود که حاوی یک مرور کلی موضوعی جامع و مفصل بود که مبنایی برای کار آینده در مورد این موضوع فراهم می کرد که به پذیرفتن خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان به عنوان نوعی تبعیض علیه زنان کمک کرد.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دو نوآوری اساسی را در رابطه با توسعه اصل عدم تبعیض برای جامعه بین المللی ارائه کرده است:

- کنوانسیون به عنوان یک ابزار نامتقارن برای محافظت از زنان در برابر هر گونه تبعیض مستقیم و غیرمستقیم در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی عمل می کند.
- این کنوانسیون تعهداتی را بر دول عضو تحمیل می کند تا کلیه اقدامات لازم را برای بهبود وضعیت زنان و همچنین توانمندسازی آنها و گسترش حقوق آنها به اجرا بگذارند.

بنابراین، هدف اصلی کنوانسیون نه تنها مسئول دانستن دولت‌های عضو برای اجرای اصل برابری بین زنان و مردان، بلکه درعین حال تضمین اجرای آن است. در شانزدهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، CEDAW اعلام کرد که «اصل برابری بین زنان و مردان و توانایی زنان برای برخورداری از همه حقوق و آزادی‌های اساسی نه تنها یک تعهد دولت بر اساس کنوانسیون است، بلکه یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی را نیز تشکیل می‌دهد».[53]

برخی از محققان معتقدند که توصیه عمومی شماره ۱۹ CEDAW درنهایت بین تبعیض و خشونت ارتباط برقرار می‌کند. برخی خاطرنشان می‌کنند که به رسمیت شناختن خشونت به‌عنوان نوعی تبعیض علیه زنان باعث می‌شود شکاف موجود در حقوق بین‌الملل حقوق بشر پر شود که با فقدان ممنوعیت الزام‌آور اعمال خشونت‌آمیز نشان داده می‌شود، درحالی‌که درعین حال در کافی بودن چنین اقداماتی تردید دارند. [54]

در سطح منطقه‌ای، جامعه بین‌المللی موفقیت بیشتری در حذف خشونت علیه زنان و خشونت خانگی به دست آورده است. شورای اروپا را به‌درستی می‌توان مترقی‌ترین سازمان بین‌المللی نامید که اولین سند قانونی الزام‌آور را در این زمینه تصویب کرد. کنوانسیون استانبول که برخی از اشکال خشونت را به‌عنوان جرائم جنایی توصیف می‌کند که باید در قوانین ملی کشورهای عضو اعمال شود. بر اساس کنوانسیون، یک مکانیسم نظارتی ویژه ایجاد شده است.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک سند ضد تبعیض است که همه اشکال خشونت را به‌عنوان نوعی تبعیض علیه زنان در برمی‌گیرد، درحالی‌که کنوانسیون استانبول مستقیماً خشونت علیه زنان را به‌عنوان نوعی تبعیض و نقض حقوق بشر تعریف می‌کند و در نتیجه به رفع تبعیض علیه زنان کمک می‌کند. هر دو کنوانسیون خشونت علیه زنان را نوعی تبعیض تلقی می‌کنند، اما یکی از آنها مستقیماً این کار را انجام می‌دهد، درحالی‌که دیگری از رویکرد غیرمستقیم پیروی می‌کند.

مزیت کنوانسیون استانبول این است که استانداردهای کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان را با تأیید مفاهیم خشونت علیه زنان و خشونت مبتنی بر جنسیت، تدوین و توسعه می‌دهد. برای اولین بار، تعریفی بین‌المللی از «خشونت خانگی» و اصل دقت نظر را ارائه می‌کند. استانداردهای تفصیلی آن در حال حاضر اهمیت جهانی دارند، زیرا می‌توانند توسط همه کشورها در فرآیند اصلاح قوانین ملی خود استفاده شوند.

رابطه بین کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون استانبول که از طریق به رسمیت شناختن خشونت علیه زنان به‌عنوان نوعی تبعیض ایجاد شده است، با فعالیت همزمان مکانیسم‌های نظارتی دو کنوانسیون تقویت می‌شود. علاوه بر این، می‌توان نتیجه گرفت که CEDAW با تشویق کشورهای اروپایی به پیوستن به آن و تصویب آن در مشاهدات نهایی خود نسبت به گزارش‌های دوره‌ای مربوطه کشورهای عضو، به تقویت استانداردهای کنوانسیون استانبول کمک می‌کند.

۴.۲. دقت نظر به‌عنوان یک رویکرد اساسی برای از بین بردن خشونت علیه زنان و خشونت خانگی

اهتمام لازم اصل بنیان‌گذار و راهنما است که در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان گنجانده شده است. بعداً در گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل متحد و گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، علل و پی‌آمدهای آن و توصیه عمومی شماره ۱۹ CEDAW در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان، تأیید و تشریح شد. در شورای اروپا، این رویکرد به‌عنوان یک اصل از کنوانسیون استانبول اعلام شده است که فرآیندهایی را به‌عنوان «4P» تصویب می‌کند: پیشگیری، حفاظت، آزار و اذیت و مشارکت.

به‌منظور شناسایی تعهدات اصلی کشورهای عضو کنوانسیون استانبول، سیستم سازی عناصر «4P» مورد نیاز است. علاوه بر این، نویسندگان بر این باورند که لازم است این اصل در سطح ملی کشورهای عضو شورای اروپا بدون توجه به مشارکت آنها در کنوانسیون استانبول به‌منظور ارائه مکانیسم‌های مبارزه با خشونت ملی علیه زنان و خشونت خانگی با رویکردی مستقیم و پویا، تثبیت شود.

۳. پیشنهادها

به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، دولت‌ها باید:

- اطمینان از کار مؤثر سازمان‌های مجری قانون؛
- ارائه آموزش برای مقامات مجری قانون و قوه قضائیه، نمایندگان مؤسسات پزشکی و اجتماعی تا بتوانند به طور مؤثر از حقوق زنان حمایت کنند.
- انجام کار پیشگیرانه هم با قربانیان خشونت و هم با مجرمان برای جلوگیری از قربانی شدن مجدد؛
- اجرای کمپین‌های عمومی در مقیاس وسیع با هدف آموزش حقوقی جامعه در زمینه حمایت از حقوق زنان به منظور افزایش آگاهی در مورد غیرمجاز بودن استفاده از خشونت علیه زنان.
- به منظور حمایت و کمک به قربانیان خشونت، دولت‌ها باید:
- اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از قربانی شدن مجدد؛
- اطمینان از در دسترس بودن خدمات پشتیبانی تخصصی عمومی، از جمله مراکز بحران، خطوط تلفن، دفاتر کمک حقوقی و غیره؛
- هرگونه خشونت را جرم انگاری کنید.

به منظور اجرای تعقیب کیفری متخلفانی که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز می‌شوند، باید:

- اجرای سریع اقدامات لازم برای بررسی همه موارد خشونت علیه زنان و خشونت خانگی؛
- ارائه کمک فوری به قربانیان خشونت و درعین حال ارزیابی خطرات احتمالی برای قربانی؛
- اجرای مؤسسه احکام بازدارنده و حفاظتی؛
- رسیدگی به پرونده‌های خشونت خانگی به شیوه تعقیب عمومی به گونه‌ای که در صورت انصراف قربانی از اتهام، تعقیب قضایی به طور منظم انجام شود.

به منظور ایجاد یک سیاست ملی یکپارچه، پیچیده و هماهنگ تعامل بین نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی،

دولت‌ها باید:

- تلاش برای تشویق دولت‌ها جهت به رسمیت شناختن موضوع خشونت علیه زنان و خشونت خانگی؛
- در هنگام تدوین استراتژی‌ها و برنامه‌های اقدام ملی، مسائل زنان را در نظر بگیرند.
- اجرای اصل همکاری بین سازمانی بین ارگان‌های دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های گروهی در هر سطح.
- تخصیص منابع مالی و انسانی لازم؛
- حمایت از کار سازمان‌های غیردولتی؛
- تضمین نظارت مؤثر و جمع‌آوری داده‌های آماری برای موارد خشونت علیه زنان و خشونت خانگی.

۴. نتیجه‌گیری

برای پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی باید رویکردی همه‌جانبه به این معضل داشت که مستلزم حل آن با رفع تبعیض زنان و نابرابری زنان و مردان و نیز ریشه‌کنی کلیشه‌های جنسیتی رایج در جامعه است. نویسندگان با تحلیل رویکردهای موجود برای درک این پدیده‌ها و نیز بر اساس مفاد قوانین حقوقی بین‌المللی در این حوزه، به این نتیجه می‌رسند که نظریه جنسیت معتبرترین و کاربردی‌ترین است و بیان می‌کند که خشونت علیه زنان و خشونت خانگی را نمی‌توان تضاد خانوادگی یا تعارض بین دو شریک زندگی دانست.

سازمان‌های بین‌المللی به‌طور کلی مقرراتی در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان تدوین کرده و راهکارهایی ارائه داده‌اند که سازمان ملل یکی از برجسته‌ترین آنهاست. نخستین اعلامیه این سازمان درباره حذف خشونت علیه زنان بود، اما به دلیل اینکه صرفاً یک اعلامیه غیرالزام‌آور به شمار می‌رفت، به‌تنهایی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان ناکافی بود.

یکی دیگر از متون بین‌المللی مرتبط با این موضوع، کنوانسیون شورای اروپا برای پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، معروف به کنوانسیون استانبول است. اگرچه این کنوانسیون نخستین سند بین‌المللی الزام‌آور در این زمینه محسوب می‌شود، خروج دولت اسلام‌گرای رجب طیب اردوغان از آن منجر به افزایش چشمگیر خشونت و زن‌کشی در ترکیه شده است. این امر همچنین نشان‌دهنده ناکارآمدی قوانین داخلی ترکیه در پیشگیری از چنین معضلاتی است.

بحث پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان در ترکیه نسبت به بسیاری از کشورها دیرتر مطرح شده و تبعات این کم‌توجهی را می‌توان در همه ابعاد زندگی زنان و حتی ساختار جامعه مدرن ترکیه مشاهده کرد. هرچند امضای کنوانسیون‌های بین‌المللی از سوی ترکیه می‌تواند گامی مثبت برای بهبود و نوآوری در قوانین داخلی باشد، اما اجرایی نشدن این مقررات در دستگاه‌های قضایی ترکیه یکی از چالش‌های جدی در مبارزه با خشونت علیه زنان است.

در قوانین داخلی ترکیه، قوانین مهمی برای حمایت از زنان قربانی و مجازات عاملان خشونت وجود دارد، اما قانون اساسی این کشور که شالوده اصلی نظام آن را تشکیل می‌دهد، مقررات ویژه‌ای برای این موضوع ندارد. تنها در برخی موارد، موضوعاتی چون منع تبعیض و تحقق برابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته که توانسته نقش محدودی در پیشگیری از خشونت علیه زنان ایفا کند. به‌ویژه اصلاحیه‌ای که در سال ۲۰۰۴ اجرا شد و تصریح کرد «زنان و مردان از حقوق مساوی برخوردارند و دولت موظف است تحقق این برابری را تضمین کند»، تلاشی در راستای کاهش نابرابری جنسیتی به‌عنوان ریشه خشونت بوده است.

امروزه شاهدیم که سازمان‌های بین‌المللی مشکل خشونت علیه زنان و خشونت خانگی را به رسمیت شناخته و اقداماتی را برای غلبه بر آن انجام داده‌اند. باین‌حال، بدیهی است که این اقدامات که توسط اقدامات حقوقی بین‌المللی دارای ویژگی الزام‌آور و توصیه‌کننده است، باید در سطح ملی اجرا شود.

به دنبال تجزیه و تحلیل مفاد مقرراتی و دکترینی، نویسندگان دانش تعمیم‌یافته جدیدی برای درک اصل دقت لازم ارائه کرده‌اند که در حقوق بین‌الملل به‌خوبی شناخته شده است. این یک رویکرد یکپارچه برای پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی را تجویز می‌کند که توسط کنوانسیون استانبول به‌عنوان «4Ps» تصویب شده است.

همچنین این مقاله مؤلفه‌های کلیدی این رویکرد یکپارچه را که حذف تبعیض علیه زنان، ریشه‌کن کردن نابرابری بین مردان و زنان و همچنین ریشه‌کن کردن کلیشه‌های جنسیتی غالب از طریق یک سیستم به‌خوبی تثبیت شده از مکانیسم‌های ملی در انطباق کامل با الزامات جهانی و منطقه‌ای ضد تبعیض است، آشکار کرده است.

منابع و مراجع:

1. Alisieievich, Ekaterina S. 2017. "Russia's accession to the Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence 2011: Myth or reality?" Aktual'nye problem sovremennogo mezhdunarodnogo prava: Materialy XV Mezhdunarodnogo kongressa "Blishchenkovskie chteniia", Part 3, 232–244. Moscow, RUDN Publ. (In Russian)
2. Zhelin'ska, Eleonora. 2017. "Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence, its general assessment and impact of

- Poland's accession (continuation)*". *Mezhdunarodnoe pravo i mezhdunarodnye organizatsii* 2: 43–63. (In Russian)
3. Sekowska-Kozłowska, Katarzyna. 2020. "The Istanbul Convention in Poland. Between the 'The war on gender' and legal reform". *International Law and Violence Against Women*, eds Johanna Niemi, Lourdes Peroni, Vladislava Stoyanova, 259–275. London, Routledge.
 4. Šimonović, Dubravka. 2014. "Global and regional standards on violence against women: The evolution and synergy of the CEDAW and Istanbul Conventions". *Human Rights Quarterly* 36: 590–606.
 5. ابوالحسنی، سلامه، طه، فریده، «خشونت خانگی بررسی حقوقی جرم شناسی اسناد سازمان ملل»، بنیاد حقوقی میزان سال انتشار ۱۳۹۶ - چاپ اول.
 6. حکمت نیا، محمود. «حقوق زن و خانواده» سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، سال ۱۳۹۹، چاپ ششم.
 ۷. محمودی، امیررضا مجیدی هاله، «کنترل پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران»، شهرپور - ۱۴۰۱ فصلنامه زن در مطالعات خانواده، دوره ۱۵، شماره ۵۶.
 ۸. درستی نادر «خشونت خانگی از مفهوم تا دلایل»، بهار ۱۴۰۰، مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، دوره ۵.
 ۹. میرجعفری، زاهره سادات توحیدی احمدرضا فتاحی، سید محسن، «مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان» پاییز و زمستان ۱۴۰۰ مطالعات فقهی حقوق زن و خانواده، شماره ۸.
 ۱۰. مشهدی علی کرمی موسی، «حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول در خصوص پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان» تابستان ۱۳۹۹، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۵۰، شماره ۲۰.
 11. پروین، خیرالله؛ شعبانی، سمانه، «خشونت خانگی علیه زنان دارای معلولیت و دسترسی به عدالت در نظام بین المللی حقوق بشر»، پاییز ۱۴۰۰ فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۵۱ شماره ۳.
 12. ASAL, Barkın. Kadın Eşe Yönelik Aile İçi Şiddet, *Güncel Ceza Hukuku ve Kriminoloji Çalışmaları II*, (Editör: SOKULLU-AKINCI, Füsun), 1. Baskı, Beta Yayıncılık, İstanbul, 2008, ss. 85-111.
 13. ADELMAN, Madelaine, *The Military, Militarism, and the Militarization of Domestic Violence, Violence Against Women*, Vol. 9, No. 9, Y. 2003, ss. 1118- 1152.
 14. İstanbul Sözleşmesi. Ankara Barosu Dergisi, 4, 133-204. Moroğlu, N. (2012). Kadına Yönelik Şiddetin Önlenmesi 6284 sayılı yasa ve İstanbul Sözleşmesi. Türkiye Barolar Birliği Dergisi, 99, 357-380.
 15. Walsh, Jeannette, Joanne Spangaro, Karen Soldatic. 2015. "Global understandings of domestic violence". *Nursing & Health Sciences*, John Wiley & Sons 17 (1): 1–4.
 16. The Universal Declaration of Human Rights. 1948. Accessed June 1, 2021.
 17. CEDAW General Recommendation No. 12: violence against women. 1989. Accessed February 25, 2021.
 18. Resolution 1994/45. Accessed June 1, 2021
 19. Resolution A/HRC/RES/11/2. 2009. Accessed February 25, 2021

20. Resolution A/HRC/14/L. 9/Rev.1. 2010. Accessed February 25, 2021
21. Resolution A/RES/73/148. 2019. Accessed February 27, 2021
22. Resolution 2010/15. Accessed February 27, 2021
23. Global and regional estimates of violence against women: prevalence and health effects of intimate partner violence and non-partner sexual violence. 2013. Accessed February 27, 2021
24. Good practices in legislation on harmful practices against women. 2009. Accessed February 27, 2021.
25. Resolution A/HRC/38/L. 6. 2018. Accessed February 27, 2021.
26. Recommendation No. R (90) 2. 1990. Accessed February 27, 2021.
27. Recommendation R(85)4. 1985. Accessed February 27, 2021
28. Recommendation 1905 (2010) Final version. Accessed February 27, 2021
29. Resolution 1691 (2009). Accessed February 27, 2021.
30. Resolution 2135 (2016). Accessed February 27, 2021
31. Decl(13/09/2017) (Adopted by the Committee of Ministers on 13 September 2017 at the 1293rd meeting of the Ministers' Deputies). Accessed February 27, 2021
32. Resolution 196 (2005). Accessed February 27, 2021
33. Resolution 2159 (2017). Accessed February 27, 2021
34. Resolution 2274 (2019). Accessed February 27, 2021
35. Levinson, David. 1989. *Family violence in cross-cultural perspectives*. Newbury Park, CA, Sage
36. Meier, Joan S. 2015. "Johnson's differentiation theory: Is it really empirically supported?" *Journal of Child Custody* 12: 4–24.
37. Stark, Evan. 2009. "Rethinking custody evaluation in cases involving domestic violence". *Journal of Child Custody* 6 (3): 287–321.
38. CEDAW General recommendation No. 35: *gender-based violence against women, updating general recommendation No. 19*. 2017. Accessed February 27, 2021
39. Sagrestano, Lynda M., Christopher L. Heavey, Andrew Christensen. 1999. "Perceived power and physical violence in marital conflict". *Journal of Social Issues* 55 (1): 65–79.
40. Mihalic, Sharon W., Elliott Delbert. 1997. "A social learning theory model of marital violence". *Journal of Family Violence* 12 (1): 21–47.
41. Dutton, Donald G., Nicholls, Tonia L. 2005. "The gender paradigm in domestic violence research and theory: Part 1 - the conflict of theory and data". *Aggress. Violent Behavior* 10: 680–714.
42. Browne, Angela, Adrian Salomon, Shari S. Bassuk. 1999. "The impact of recent partner violence on poor women's capacity to maintain work". *Violence Against Women* 5/4: 393–426.
43. Allen, Christopher T., Suzanne C. Swan, Chitra Raghavan. 2009. "Gender symmetry, sexism, and intimate partner violence". *Journal of Interpersonal Violence* 24: 1816–1834.
44. Nazroo, James. 1995. "Uncovering gender differences in the use of marital violence: The effect of methodology". *Sociology* 29: 475–494.

45. Johnson, Michael P. 1995. "Patriarchal terrorism and common couple violence: Two forms of violence against women". *Journal of Marriage and the Family* 57: 283–294..
46. Stark, Evan. 2009. "Rethinking custody evaluation in cases involving domestic violence". *Journal of Child Custody* 6 (3): 287–321.
47. Johnson, Michael P. 2008. *A typology of domestic violence: Intimate terrorism, violent resistance, and situational couple violence*. Illinois, Northeastern University Press
48. Dobash, Emerson, Russel Dobash. 1979. *Violence against wives*. New York, The Free Press.
49. Straus, Murray A. 1977. "Wife beating: How common and why?" *Victimology* 2: 443–458.
50. Johnson, Michael P. 2006. "Conflict and Control: Gender Symmetry and Asymmetry in Domestic Violence". *Violence Against Women* 12 (11): 1003–1018.
51. Convention on the Eliminations of All Forms of Discrimination against Women. 1981. Accessed June 1, 2021
52. Resolution A/RES/54/4. 1999. Accessed June 1, 2021.
53. Statement of the CEDAW Committee: The Universal Declaration of Human Rights at 60 and the CEDAW Committee (adopted 4 Nov. 2008, 42nd sess.). Accessed March 1, 2021. [http:// www.ohchr.org/ Documents/HRBodies/CEDAW/Statements/UDHR60](http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/CEDAW/Statements/UDHR60)
54. Edwards, Alice. 2012. *Violence against women under International human rights law*. Cambridge, Cambridge University Press.

Strategies to Combat Violence Against Women from the Perspective of International Law with Emphasis on the Istanbul Convention

Younes Emamizadeh

Abstract

Eradicate violence against women and girls in the public and private spheres, including human trafficking, sexual exploitation and other forms; eliminate all harmful practices, in particular forced marriage and female genital mutilation. This article reviews the existing customary and doctrinal definitions and qualifications of the terms “violence against women” and “domestic violence” in international law, examines the international legal aspects of preventing and combating violence against women and domestic violence, comprehensively analyzes the conceptual framework related to these crimes, and presents basic approaches to the concept of domestic violence. This article provides a new understanding of the principle of due diligence (a well-known principle/standard in international law) with respect to violence against women and issues related to domestic violence, and clarifies its key components, while at the same time formulating the main obligations of States in this area. In conclusion, it is concluded that the issues of eliminating discrimination against women and eradicating violence against women can only be addressed collectively, confirming the validity of the gender-based approach to this issue, which is adhered to by international human rights institutions. The results of this research show that social factors, cultural conditions, education level, and economic structure form the main foundations of violence against women. Therefore, preventing and eliminating this problem requires special efforts and planning by governments, as responsible for ensuring the mental health and comprehensive security of individuals in society. Increasing public awareness and culture building are among the key factors that are necessary to address this problem from a social perspective. At the same time, cultural changes and the adoption of preventive and protective laws can be the basis for change in this field in a systematic manner. In addition, the implementation of laws at the national level and adherence to international documents to which countries are members are of particular importance. On the other hand, the cooperation of governments, international territories, and important institutions is undeniable.

Keywords:

Women's rights, domestic violence, violence prevention, Istanbul Convention, gender equality, discrimination, elimination of discrimination